

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

در آستانه ولادت با سعادت ثامن الحجج آقا علی بن موسی الرضا علیه آلاف التهیه و الثناء هستیم. جهت عرض تبریک و تهنیت به ساحت مقدس و منور فرزند بزرگوارشان قطب عالم وجود حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء صلواتی ختم فرمایید.

(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ)

با جلسه سوم از کارگاه آموزشی غدیر با محوریت غدیر در خدمت شما هستیم و به این سمت می‌رویم که ببینیم چه موضوع و یا موضوعاتی می‌تواند مورد بحث قرار بگیرد. و در درجه دوم این که آن بحث را ما چگونه باید تحویل دهیم و در این زمینه آموزش نرم افزار بازار کتاب قائمیه را داشتیم در جلسه اول. این که ما چگونه مطلب خود را از میان مطالب انبوه استخراج و دسته بندی کنیم و در دفترچه یادداشت ذخیره سازی کنیم و همیشه در جیب خود در دسترس داشته باشیم.

خلاصه جلسه دوم: کارگاه آموزش منبر

جلسه دوم که بسیار هم فشرده شد، پیرامون این که ما این بحث را چگونه ارائه کنیم، عرض کردیم که ما باید مطلبی که می‌خواهیم عنوان کنیم، بعد از این که مخاطب خود را در نظر گرفتیم و مطلب را متناسب با مخاطب خود انتخاب کردیم، حالا روش های متعددی هست برای بیان آن مطلب.

روش های انتقال مطلب به مخاطب

(۱) روش پاورپوینت

در سفرهایی که به بعضی از مناطق و بعضی از کشورها داشتیم، دیدم در مساجد یا حسینیه ها، یک ال سی دی (LCD) بزرگ گذاشته بودند یا یک پرده پروژکتور و آن گوینده مطلب خود را در قالب پاورپوینت ارائه می‌دهد. به این صورت که آن مطالب کلیدی را به صورت تیتراژ یا متن درشت نوشته بود و آن قسمت هایی که قابل توجه بیشتر بود را خیلی بولد و رنگی کرده بود که به چشم بیاید و اگر در این زمینه تصویری که بتواند خیلی بهتر گویای این مطلب باشد در این پاورپوینت استفاده کند، استفاده می‌کرد و مطلب خود را به شنونده خود منتقل می‌کرد. از نظر تجربی این که گوش انسان مطلبی را بشنود و بعد با چشم ببیند، این در مغز او و در حافظه او بهتر قرار می‌گیرد. استفاده از روش صوتی و تصویری، مطالب را بهتر به مخاطب می‌توان منتقل کرد.

من وقتی این رویه را دیدم، خیلی برایم جالب بود و بسیار پسندیدم و هر کجا رفتم، دیدم به همین منوال است. برای سایت اینترنتی قائمیه یک صفحه ای زدیم به نام ghbook@powerpoint یا اگر بخواهم صحیحتر آن را بگویم: powerpoint.ghbook.ir. این صفحه را زدیم و شروع کردیم به جمع آوری پاورپوینت مطالب مذهبی در موضوعات مختلف. به مراکز مختلفی که می‌رفتیم و تفاهم نامه امضا می‌کردیم برای اجازه گرفتن کتاب هایشان که در بازار کتاب قائمیه قرار بدهیم، یک صحبتی هم راجع به پاورپوینت می‌کردم. می‌دیدم ماشاءالله مراکز فراوان پاورپوینت های بسیار زیادی کار کردند و ارائه می‌کنند. حتی بعضی هایشان را درون هارد می‌گذاشتند و هارد را داخل مثلاً میز خودش گذاشته و اصلاً استفاده نمی‌شود. از اینها می‌گرفتم و به دوستانم در قائمیه می‌دادم. آنها موضوع بندی می‌کردند و داخل سایت قرار می‌دادند تا اگر شما می‌خواهید مسئله شرعی برای مردم بگویید، پاورپوینتش و عکسش موجود باشد. یک محیطی با وسایل نرم افزاری امروزی مثل همین ویدیو پروژکتور یا ال سی دی (اگر موجود باشد) آماده می‌کنیم و مطلب را به طرف مخاطب خود منتقل می‌کنیم.

من فکر می‌کنم این روش، روش بسیار خوبی است. باید همه ما کار کنیم و ننشینیم تا دیگران کار کنند و ما از کارهای آنها استفاده کنیم بلکه خودمان تولید کننده باشیم. مثلاً مطالبی که امروز شما از محضر **آیت الله نجم الدین طبری** حفظه الله تعالی فرا گرفتید و قطعاً

نکاتی را یادداشت کردید، بیایید امشب این را انجام بدهید. خیلی کار ساده ای هم هست همین قدر که شما با ورد (word) در کامپیوتر آشنا باشید، خیلی راحت می توانید پاورپوینت را هم بسازید و کار آنچنانی ندارد. شما در عرض نیم ساعت می توانید به تمام قابلیت های پاورپوینت مسلط شوید و آن مطلب خودتان را پاورپوینت کنید و از این طریق شما همیشه فلش آماده ای دارید که اگر به جلسه ای رفتید و دیدید که امکان نشان دادنش به مخاطب هست، چه بهتر که از این روش استفاده کنید. این یکی از روش هاست که من دیگر بیش از این توضیح نمی دهم.

چون مبحث غدیر، مبحثی است که شما برای هر حرف خودتان باید سند ارائه بدهید. مخصوصاً در منابع اهل سنت. شما می توانید از طریق پاورپوینت مطلب و سنتان را نشان دهید. بگویید: بفرمایید این عکس آن صفحه ای است که مثلاً در صحیح بخاری یا صحیح مسلم یا هر کتاب دیگر از اهل سنت وجود دارد. چاپ فلان سال و این هم مطلب که مثلاً با یک قلم زردی، فسفری خیلی بولدش کرده باشید و مطلب را نشان بدهید که آقا جان این مظلومیت امیرالمؤمنین علیه السلام است. این حرفی که ما می زنیم، سندش را هم برای شما ارائه می کنیم. و این خیلی تأثیرگذارتر است تا این که شما بیایید در مطلب خودتان یک ادعایی بکنید و بعد هم یک آدرسی بدهید و به دنبال کار خودتان بروید.

اگر بخواهید، در برگزاری کلاس می توانید از این روش استفاده کنید. در جلسات عمومی و در جلسات خصوصی که افراد کمتری هستند، می توانید استفاده کنید. کاربرد بسیار فراوانی دارد ضمن این که خود شما کاملاً مسلط بر بحث هستید و وقتی یک جایی بحث را مطرح کردید خودتان معایب کار دستتان می آید. می توانید پاورپوینت را به آن چیزی که دلخواه تان هست تغییرش می دهید و برای جلسات بعدی آماده ترش می کنید.

۲) روش پرسش و پاسخ

شما الان می دانید این نرم افزارهایی که آمده، حوصله های مردم را کم کرده است و از بس مطلب زیاد است، کسی حالش را ندارد که مثلاً سه ربع ساعت یا یک ساعت پای حرف شما بنشینند و بالاخره تنوع لازم است. یکی از روش هایی که به جلسات تنوع می دهد، این است که شما جلسات را به صورت پرسش و پاسخ برگزار کنید. ممکن است کسی بگوید: «که من آیت الله نجم الدین طبری نیستم که بنشینم و در زمینه غدیر هر سؤالی از من بشود، به راحتی بتوانم پاسخ بدهم. من گیر می افتم. کسی را می خواهد در پرسش و پاسخ که حریف باشد و بر بحث مسلط باشد و هر سؤالی را به راحتی بتواند پاسخ بدهد.»

برای این کار هم روشهایی وجود دارد. اولاً شما مثلاً ۴۵ دقیقه می خواهید صحبت کنید. ۵ الی ۷ دقیقه بستگی به جلسه شما دارد که خودتان می توانید تشخیص بدهید. ۷ دقیقه یک مقدمه ای را فراهم کنید که تمام ذهن ها مشغول شود به مطلب شما. بعد بگویید: «در این زمینه اگر کسی سؤالی به ذهنش می رسد، یادداشت کند و سؤال خود را به دست من برساند.» و تواضع هم داشته باشید. بگویید: «آقا جان اگر جواب سؤالتان را بلد بودم و حضور ذهن داشتم، جواب سؤالتان را می دهم و اگر نه فردا جواب سؤالتان را آماده می کنم و خدمتتان تقدیم می کنم.» بعد چند شرط دیگر هم بگذارید. مثلاً شرط بگذارید مسایل سیاسی را مطرح نکنید. چون من رجال سیاسی نیستم. سؤال سیاسی را بگذارید برای افرادی که اهل سیاست هستند. در زمینه های تاریخی و علمی، آن هم در این موضوع در بحثی که در مقدمه برایتان فراهم کردم، سؤال پرسید. یعنی از چارچوب بیرون نروید. یک مرتبه یک سؤالی که اصلاً هیچ ربطی به بحث ندارد، مطرح نکنید. یک شرط و شروطهایی خودتان قبل از این که بخواهید جلسه پرسش و پاسخ را شروع کنید، قرار بدهید. بعد سؤالات شروع به آمدن می کند.

ممکن هم است در جمعی باشید که اصلاً هیچ گونه آمادگی برای سؤال کردن از شما نداشته باشند. از قبل خودتان چند سؤال در همان زمینه آماده داشته باشید و یادداشت کنید و خودتان شروع کنید. آن وقت وقتی سؤال را مطرح کردند و جوابش را می دهید، آرام آرام مخاطب شما یادش می آید که در این زمینه سؤالاتی در ذهنش بوده یا مثلاً در بین صحبت های شما یک تناقضاتی را می بیند. همان موقع به ذهنش می رسد از شما سؤال بپرسد. و اینگونه سیل سؤالات به سمت شما سرازیر می شود. بعد یکی یکی سؤالات را نگاه می کنید. آنهایی را که مسلط هستید و یقین دارید پاسخش همین است، باطمینان و آرامش مطرحش کنید و پاسخش را بدهید. آنهایی را

هم که تسلط ندارید، در ردیف های بعدی می گذارید تا بعداً مطالعه کنید و جلسه بعدی پاسخ دهید. برای پرسش و پاسخ از این روش استفاده کنید.

من خودم این روش را بارها و بارها به کار بردم و دیدم که مخاطب اصلاً متوجه نمی شود یک ساعت پای صحبت نشسته است. ضمن این که مسایل بسیار زیادی در این جلسه آموخته است. بعد شما دو جلسه، سه جلسه، اصلاً جلسات متعدد به این روش جلو بروید. من فکر می کنم خواسته نسل جوان امروز این است که بتواند سؤالش را راحت بپرسد. بعداً که تسلط بیشتر پیدا کردید، در آن بحث جرأت پیدا می کنید تا یک میکروفون بین مخاطبین بگردانید و بگویید: هر کسی هر سؤالی دارد، این میکروفون را بگیرد. یک نفر کمک دست باشد و میکروفون را جابه جا کند و به آنها بدهد و طرف بایستد و سؤالش را از شما بپرسد و شما هم سنگین، متین، زیبا پاسخش را بدهید. این خیلی تأثیرگذار است و واقعاً وقتی شخصی به جلسه شما آمده، با دست پر از جلسه بیرون می رود.

پس می خواهم بگویم که اینجور نیست که فقط برویم بالای منبر بسم الله الرحمن الرحیم بگوییم و از اول تا آخر کسی حق این را که بگوید: نه، نداشته باشد. خدا رحمت کند مرحوم حاج آقای منصورزاده از منبریان قهار اصفهان که حدود ۱۵ سال پیش از میان شما به رحمت خدا رفتند. یک زمانی جایی منبر بودیم که جوانی منبر رفته بود که بالای منبر داد می زد. ایشان دعوی شان بود که خیلی خودمانی و آرام صحبت می کردند. وقتی آن جوان از منبر آمد، یک جلسه ای بود که آقایان اهل علم همه در اتاقی بودند. صدایش زد و گفت: «بنده خدا، مگر ما هرچه بالای منبر می گوئیم، مردم نه می گویند! که تو این قدر داد میزنی؟ نیاز به داد زدن که ندارد.» اگر شما یک وقت جایی می روید و می بیند جلسه فقط جلسه منبر است، این مردم فقط آموزش دیده اند که پای منبر باشند. در این صورت شما از این روش ها دیگر استفاده نکن و از همین طریق منبر رفتن و سخنرانی کردن مطلب را انتقال بده. اما یک وقتی می بینید جوان هایی هستند پر از شور و اشتیاق و خواهان مطالب، در این صورت از این دو تا روشی که معرفی کردم، استفاده کنید.

حالا روش های دیگری هم هست که باز قرار است ما با جلسه چهارم هم ان شاءالله اگر عمری باشد، در خدمت شما باشیم و عرض کنم. و اما برویم سراغ آن مطلبی که هفته گذشته فشرده خدمت شما تقدیم کردیم. به این صورت که از یکی از آقایون طلاب خواستیم از قبل مطلبی در حدود ۷-۸ دقیقه آماده کنند و ارائه دهند. بعد خود شما هم به عنوان شنونده مطلب، محاسن و معایب سخنرانی ایشان را می گوئید. خوبی هایش را یکی یکی بگوئید اما نه به خاطر این که ایشان را تشویق کنید، نه. آن کسیکه اینجا می آید و سخنرانی می کند، منتظر تشویق های شما نیست. منتظر است عیب های منبرش را شما تذکر دهید. لذا هفته گذشته در خدمت یکی از آقایان بودیم و این شانس را هم داشتیم که در خدمت حاج آقای ظهّری هم بودیم که به عنوان کارشناس این هفته یکی از آقایان را دعوت کرده بودیم که تماس گرفتند و گفتند: من بیرون اصفهان هستم و تا بخواهم بیایم، دیر می شود. شما جلسه تان را برگزار کنید. لذا الان ما دعوت می کنیم از جناب حجت الاسلام حاج آقا کیوانفر تشریف بیاورند و چند دقیقه ای پیرامون غدیر صحبتشان را ارائه کنند. یک صلوات بر محمد و آل محمد می فرستیم.

(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ)

أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ اللَّعِينِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ كَمَالَ دِينِهِ وَ تَمَامَ نِعْمَتِهِ بِوَلَايَةِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ وَ صَلَوَاتِهِ وَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ

وَ آلِهِ أَلِ اللَّهِ وَ لَعْنَتُ دَائِمٍ عَلَى اِعْدَائِهِمْ اَلِي يَوْمِ لِقَائِهِ اَللَّهُ

هدیه به روح مطهر اهل بیت علیهم السلام صلواتی ختم می کنیم.

(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ)

قال الرضا عليه السلام:

« كَمَالُ الدِّينِ وَ لَايَتْنَا وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ عَدُوَّنَا »

کمال دین شما، داشتن ولایت ما اهل بیت علیهم السلام و برائت و بیزاری از دشمنان ما اهل بیت علیهم السلام هست.

ان شاءالله که خداوند متعال دین ما را به داشتن ولایت اهل بیت علیهم السلام و برائت دشمنان اهل بیت علیهم السلام روز به روز کاملتر بگرداند به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ)

خداوند متعال در آیات متعدد از قرآن کریم داستان اقوام گذشته، پیامبران و اقوام پیامبران را برای ما نقل کرده و از نقل این داستانها هم غرض داشته است. اینطور نبوده که بخواهد یک داستانی را صرفاً بیان کند و ما هم همینطور یک داستانی گوش داده باشیم و خوانده باشیم.

در آیه شریفه ۱۱۱ سوره یوسف خداوند متعال می فرماید:

«لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَبْصَارِ» (یوسف/۱۱۱)

به تحقیق در این قصه ها و داستان های اقوام گذشته پیامبران برای شما (مردمان) اولالباب مایه عبرت هست.

در روایات متعددی از اهل بیت علیهم السلام می خوانیم که فرمودند: «شيعتنا هم أولوا ألباب» شیعیان ما حقاً اولالباب، صاحبان فهم و خرد هستند و بعد ادامه آیه می فرماید:

«مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»

این داستانها، قصه های دروغ بافته شده ای نیست. اینها همه اش تصدیق کننده (مطالب پیامبران پیشین هست) و مایه هدایت و رحمت برای قوم مؤمنین است.

لذا ما شیعیان اگر بخواهیم به هدایت برسیم و به رحمت خداوند دست پیدا کنیم، فرمودند: «باید بروید و قصه های امت های گذشته را بخوانید، از آنها پند بگیرید و استفاده کنید.» لذا داستانی که بسیار در قرآن خداوند متعال متذکر شده است و آیات در رابطه با این داستان بیش از بقیه داستانها آمده است، داستان حضرت موسی علیه السلام و حضرت هارون و فرعون و امت بنی اسرائیل است که خداوند بسیار این آیات را در کتاب خودش نقل کرده است. چه خوب است که ما بتوانیم برای جواب به شبهاتی که در این دوره و زمان به اعتقادات ما شیعیان وارد می شود، از قرآن استفاده کنیم. دشمن اصلی ما، وهابی ها و سنی ها هستند؛ مخصوصاً در رابطه با بحث غدیر. پس چه خوب است که ما روز به روز انس بیشتری با آیات قرآن پیدا کنیم و بتوانیم با حجت آوردن از آیات خداوند با آنها مقابله کنیم. شبهه ای که الان می خواستیم در دو-سه دقیقه خدمت عزیزان مطرح کنم و یک استشهادی از قرآن بگیرم، همین بحثی بود که ظاهراً **حضرت آیت الله طبرسی** هم کامل توضیح داده بودند. شبهه این است که ۱۲۰ هزار نفر در روز عید غدیر با رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت کردند و آقا رسول الله صلی الله علیه و آله برای ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام از اینها پیمان گرفتند. **ولی هفتاد روز بیشتر نگذشت و همه این ۱۲۰ هزار نفر فراموش کردند.** مگر می شود؟ شما شیعیان ادعا می کنید که ۱۲۰ هزار نفر بیعت کردند اما بعد از هفتاد روز همه چیز از یادشان رفت. آخر ۱۲۰ هزار نفر نه، ۶۰ هزار نفر، نه ۳۰ هزار نفر، نه! آقا یک نفر نبود که بیاید با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت کند؟ این شبهه ای هست که الان می گویند. می گویند اگر واقعیت داشت، باید یک خبری باشد. خلیفه اولی که الان اکثر مسلمانان جهان قبول دارند، پس واقعا خلیفه اولی است که معرفی شده است.

در رابطه با پاسخ این شبهه، باید این نکته را عرض کنم که شبهات باید در بستر تاریخی آن زمان بررسی بشود. اینطور نیست که یک شبهه را همینطور بشود جواب داد. نخیر باید جزئیات تاریخی آن زمان به صورت مفصل بیان بشود. همانطور که اساتید عزیز در این دوره و دوره های قبل جزئیات تاریخی را مطرح کردند و استفاده کردیم، مثلاً اینها چه قوم وحشی بودند که آمدند با وحشی گری از مردم مسلمان بیعت گرفتند. و اینطور هم نبوده است که هیچ کسی نباشد. به اسم این تعداد بوده اند، بدون اسم این تعداد بوده اند. لذا باید با جزئیات مطرح شود.

جواب شبهه با توجه به آیات قرآن

مطلب اول:

ما در قرآن می‌خوانیم که «**اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ**» یا «**اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ**» و بعد می‌فرماید: «**قَلِيلًا مَّا يَشْكُرُونَ يَا قَلِيلًا مَّا يَذْكُرُونَ**». یعنی عده کمی هستند که شکر نعمت های خدا را به جا می‌آورند و متذکر نعمت و هدایت الهی هستند. لذا این که اکثریت رفتند به یک سمتی، دلیل بر حقانیت آن اکثریت نمی‌شود. آیات شریفه به کرات ذکر کرده است که چه بسا عده قلیل حق باشد و کم بودن آنها دلیل بر عدم حقانیت آنها نیست.

مطلب دوم:

اشاره کنیم به داستان حضرت موسی علیه السلام که عرض کردم. از داستان باید برای هدایت و عبرت استفاده کرد. داستان حضرت موسی علیه السلام را همه خوانده‌اند و می‌دانند. بعد از آن معجزه هایی که حضرت موسی برای فرعون و فرعونیان آورد و حضرت موسی آن سحره را مغلوب خودش کرد و همه طناب های آنها را مار حضرت موسی علیه السلام بلعید و این همه حجت برای فرعون و اطرافیان آورد، فرعون و یاران فرعون می بینند که موسی دارد کم کم همه را به دین خودش می‌آورد. پس تصمیم می‌گیرند که موسی علیه السلام و بنی اسرائیل را بگیرند و زندانی کنند. خبرش به حضرت موسی علیه السلام از طریق وحی الهی می‌رسد. حضرت موسی علیه السلام و بنی اسرائیل شبانه فرار می‌کنند و لشکریان فرعون هم به دنبال حضرت موسی علیه السلام می‌روند تا به رودخانه نیل که از آن در قرآن کریم به بحر تعبیر شده می‌رسند. قوم بنی اسرائیل می بینند این جا گیر افتادند و کاری نمی‌توانند بکنند. خداوند متعال به حضرت موسی علیه السلام وحی می‌کند عصای خود را به دریا بزن. دریا شکافته می‌شود. موسی علیه السلام و قوم بنی اسرائیل از دریا یا رودخانه نیل عبور می‌کنند و فرعونیان در رودخانه یا دریا غرق می‌شوند. ادامه اش را آیه شریفه اینطور می‌فرماید:

«وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا آلِهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ»

ما قوم بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم. **فاتوا** آورده. اینها بلافاصله مواجه می‌شوند بر قومی که در حال بت پرستی بودند. بعد تا این صحنه را قوم جاهل بنی اسرائیل می بینند، به موسی علیه السلام می‌گویند:

«ای موسی بیا برای ما هم مثل اینها بت هایی قرار بده که ما هم شروع به پرستش بت ها کنیم.»

پس این خیلی بعید نیست که روز عید غدیر ۱۲۰۰۰۰ نفر بیایند و هفتاد روز بعدش انکار کنند، تمام این حقانیت خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را. قوم موسی علیه السلام از دریا تازه عبور کردند. ذیل این آیه روایتی هست. آقا امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «هنوز تری کف پای اینها به واسطه گذر از دریا نخشکیده بود که با این قومی که بت پرستی می‌کردند، مواجه شدند و بعد این حرف را به موسی علیه السلام زدند.»

وقتی یک قومی اینطوری جهالت می‌ورزد و اینطور با حقانیت خداوند متعال مبارزه می‌کند، چه بسا در غدیر هم چنین اتفاقی افتاده و دور از ذهن نیست و می‌تواند این اتفاق بیفتد و همینطور ادامه داستان که بعد می‌روند و جریان میقات حضرت موسی علیه السلام به کوه طور و این که اینها بعد از آن چهل روز دوباره گوساله پرست می‌شوند. یعنی تا این حد جهالت در تاریخ اتفاق افتاده و ما اگر ان شاءالله بتوانیم تسلط به آیات قرآن کریم پیدا کنیم، خیلی راحت می‌توانیم این تصویر خیلی بعیدی که وهابیت نسبت به عقاید شیعه دارد را برایش تبیین کنیم. ان شاءالله که خداوند متعال روز به روز ما را با معارف قرآن و معارف اهل بیت علیه السلام بیشتر آشنا بگرداند.

نکته: یکی از نکات بسیار مهمی که برای مخاطب مهم است، وعده هایی است که سر وقت دقیقه ها و ثانیه ها خود گوینده برایش حساس است. بسیار شده که ما پای منبر آقایان اهل منبر نشستیم و می‌گویند من آخرین مطلبم را بگویم. درحالی که می‌بینیم ده، سیزده تا مطلب پشت سرش می‌گویند و بعد هم می‌گویند این آخرین مطلب است. شنونده را جان به لب می‌کنند و لحظه شماری می‌کند کی تمام می‌شود. خواستم تشکر کنم از شما که خودتان را در معرض تیرهای انتقادات ما قرار دادید. این نکته مهم را بگویم

که آدم باید آنقدر مسلط باشد که بتواند مطلب را در قالب چند دقیقه بزند که از تایم خودش تجاوز نکند. اگر بین دوستان کسی هست که به سخنان دوستان نقدی دارد بفرماید.

- ایشان می گویند کلمات عربی که چه از آیات قرآن و چه از روایات اهل بیت علیهم السلام ادا می کنند، کاملاً صحیح باشد. الان ما می بینیم در بعضی از شبکه های ماهواره ای معاندین و وهابیت گشتند در سخنرانی بعضی از سخنرانان مشهور. غلط های تلفظی روی آیات قرآن را درشت کردند و گفتند: «ببین این آقایی که جمع بسیاری از شیعیان پای صحبت هایشان هستند و به عنوان مرشد و راهنمای اینهاست، هنوز در حدی نیستند که یک آیه قرآن را صحیح بخواند.» در نتیجه این خود افت بسیار زیادی می شود. نکته قابل تأملی بود. در خطبه ای که خواندند گفتند: «**و العنة الدائم.**» در حالی که «**و العنة الدائمة**» است.

مطلب دیگری که یکی از دوستان می فرمایند این که تن صدای ایشان و روش ارائه شان از اول تا آخر یکنواخت بود. به تعبیر یکی از آقایان باید مثل یک هواپیما آرام آرام صدا اوج بگیرد و بعد آهسته آهسته فرود بیاید. این که در یک خط مستقیم صدا مثل یک قطار باشد، موفقیت زیادی نمی توان کسب کرد. پس فراز و نشیب و شور و حال می خواهد. این فراز و نشیب ها باعث می شود که توجه مخاطب بیشتر به صحبت جلب شود.

یکی دیگر از دوستان می فرمایند چون مخاطبین متنوع بودند، روش ارائه ایشان بسیار عالی بوده و ایرادی به آن وارد نیست. فقط تذکری که هست این که این آیات و روایاتی که گفتند و به این سادگی از کنارش گذشتند، ای کاش یکی را می گفتند اما خوب می شکافتند.

- توضیح سخنران: بله. من شاهد همان آیه «**و جاوِزنا پینی اسرائیل البحر**» بود که خواستم به این جا برسم و بعد چون فرمودید سیزده دقیقه و بیشتر از سیزده دقیقه هم شد. در کل می خواستم بگویم اگر به آیات قرآن تسلط بیشتری پیدا کنیم، می توانیم خیلی از شبهات را جواب دهیم.

- در مورد آیاتی که به عنوان شاهد استفاده کردید که: «**أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ**»، «**أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ**»، «**قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ**»، «**قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ**» مخاطب می گوید: «این آیات مسلمانها نبودند بلکه در حقیقت مخاطب این آیات کفار بودند.» یعنی آنهایی که فکر نمی کنند. نه اینکه قاعده قرآن این باشد که اکثر مردم عقل ندارند. پس اکثر مردم آن زمان عقل نداشتند! این آیاتی که انتخاب و استفاده کردند، باید با دقت بیشتری انجام شود که خود این تازه باعث شبهه دیگری نشود (احسن).

به نظرم باید اول مخاطب خودشان را مشخص می کردند و بهتر بود که این جا مخاطب عموم بود. اگر من یک مخاطب عام باشم و پای میز سخنرانی شما نشسته باشم، اصلاً با این جواب شبهه ام برطرف نمی شود. یعنی در واقع ایشان می فرمایند که با این بیانی که شما در این چند دقیقه داشتید، تنها هنرتان این بود که یک شبهه ای را برای من به وجود آوردید اما جوابی که بتواند من را قانع کند و از این شبهه عبور کنم، نبود. این خیلی نکته مهمی است.

آقایان من یک وقتی سر کلاس درس اصول و عقاید که در حوزه داشتیم آمدیم، یک روشی را شروع کردم. رفتم شبهات را جمع آوری کردم و برای حدود شصت طلبه که شاگردهای من بودند، مطرح می کردم. هفته ای یک شبهه می دادم و می گفتم بروید روی آن کار کنید. شصت نفر می رفتند کار می کردند و بعد یکی یکی مورد بحث و بررسی قرار می دادند و خیلی برای خودم جالب بود. این پیشنهاد را به **مرحوم آیت الله حاج آقا حسن امامی** دادم. ایشان فرمودند: «اصلاً اشتباه محض است منبری شبهه را مطرح کند.» و ایشان می فرمودند: «خودم جواب شبهات بسیاری را می دهم؛ در حالی که هیچ اشاره ای به شبهه نمی کنم.»

این یک هنر خاصی است. این نکته ای که ایشان فرمودند و حالا من از این نکته استفاده می کنم و عرض می کنم که یک وقتی کسی روحش هم از این شبهه خبر ندارد و تازه شما او را حساس می کنید و شما تازه عامل آن شبهه افکنان می شوید. چه کار دارید بگویید این شبهه هست. می آید مثلاً در صحبت سیزده دقیقه ای بدون اینکه شبهه ای را مطرح کنید، خود اصل مطلب و آیات و روایات را به گونه ای مطرح کنید که آن کسی که این شبهه در ذهنش هست، پاسخ خودش را بگیرد؛ بدون این که اشاره ای به شبهه شود. (سؤال یکی از حضار) ایشان می فرمایند: چه عیبی دارد یک سخنرانی گاهی روی نوشته ها نگاه کند، با مخاطب خودش صحبت کند و این را عیب نداند؟ از روی نوشته نگاه کند تا با تسلط بیشتر و با قاطعیت بیشتر بتواند مطلب خودش را به مخاطب برساند؟

- پاسخ سخنران: اتفاقاً بعضی از جاها نه تنها عیب نیست، بلکه جزء محاسن است که شنونده یک قوت قلبی پیدا می کند که ایشان، این حرفها را همینطوری نمی زند. (احسنت! نکته بسیار عالی بود).

- یکی از حضار: یکی از جواب هایی که دادند، جهالت مردم بود. پاسخ های دیگری هم داشت که اشاره نشد؟

- پاسخ سخنران: عذر می خوام. در پاسخ آن دوست عزیزمان که نکاتی فرمودند، عرض کنم که ببینید شما باید آن ادعایی که من کردم و آن جوابی که دادم را در ظرف آن سؤال و شبهه ای و ادعایی که کردم، بررسی کنید. من نمی خواستم کلاً این شبهه را به کل از بیخ و ریشه بکنم. اولاً من خطابم با شماست که مبلغ هستید. یعنی این که می آیم شبهه را مطرح می کنم، در جمع شما صحبت می کنم نه مردم عادی که بگویند چرا شبهه را گفتید. ثانیاً من نمی خواستم جواب بدهم. روش اصلی اش این است که جزئیات تاریخی بررسی شود که گفتیم اساتید معظم آمدند و گفتند. ادعای من چه بود؟ ادعای من این است بروید تسلط به آیات پیدا کنید و هیمنه یک شبهه را بشکنید. ادعای من این بود و بعد با یک آیه اثبات کردم. هیمنه شکسته شد و همه می گویند مگر می شود؟ بله می شود. دیدید که بنی اسرائیل این کار را کردند. تری ایشان هنوز خشک نشده بود. دیدند همین حالا موسی علیه السلام با عصا زده بحر را شکافته، گفتند: «موسی! برای ما بت بگذار تا ما بت بپرستیم.» پس ببینید می شود. در ۱۰ دقیقه می خواستیم همین را بگوییم و بیش از این ادعایی داشتیم. اما این نکاتی که دوستانمان درباره لهجه و عبارت های اشتباه عربی فرمودند، همه را قبول دارم و باید بیشتر کار بشود و تسلط پیدا کرد. ان شاءالله که خداوند به ما عنایت کند.

- **کمال دین ولایتنا و البرایه من عدونا** مقدمه بود. یک حدیث خواندیم به خاطر اینکه برکت پیدا کند. معمولاً خطبا در ابتدای بحثشان حدیثی یا فضیلت صلوات، به هر حال یک چیزی می گویند.

- کاش یک عبارتی را برای مقدمه انتخاب می کردید که با بحث شما ارتباط داشته باشد. و من یک نکته ای اضافه کنم. وقتی به شخصی می گویند: شما ۸ دقیقه فرصت دارید صحبت کنید، نباید ۳ دقیقه خرج خطبه و مقدمه بشود. چون بعداً وقت کم می آید. بسم الله الرحمن الرحیم. در خدمت شما هستیم با یک مطلب و مثلاً سه جواب. اینطور زود وارد بحث می شوید (یک خبرنگاری آمده بود و از یک نفر سؤال می کرد آقا شما در این محله مشکلی ندارید؟ بسم الله الرحمن الرحیم. با درود به روان پاک همه شهیدان و ... چند دقیقه همینطور درود فرستاده بود. آخر کار گفته بود بنده مال این محله نیستم. خوب خدا پدرت را بیمارزد، از همان اول بگو که مال این محله نیستم. اینها چیست که وقت ملت را می گیری به خاطر درود به کی و لعن به کی و ... بعد بگویی من برای این محله نیستم). حالا هم این مطلب را باید خلاصه کرد. **خیر الکلام ما قل**. بنابراین این نکته باید رعایت شود که خودتان وقت خودتان را نگیرید. گرچه همین خطبه یک آرامشی به خود گوینده می دهد که صدای خودش را با میکروفون تست کند و فرصتی به مخاطب می دهد که به اصطلاح با همدیگر ارتباط برقرار کنند. اگر در یک منبر مثلاً ۱ ساعت وقت داشتید، بله یک خطبه چند دقیقه ای بخواند و انسان وارد بحث شود. ولی هرچه قدر سخنرانی کوتاه باشد، به نسبت خطبه هم باید کوتاه باشد.

من هفته گذشته گفتم. کسی که اینقدر اعتماد به نفس داشته باشد و بیاید بنشیند در مقابل چشم و گوش هایی که منتظر هستند، یک ایرادی ببینند و آن را مطرح کنند، خیلی خوب است. من که این جرأت را در خودم نمی بینم. لذا به شهامتشان تبریک می گویم و ان شاءالله دعا می کنیم در همه موارد تبلیغی خداوند ایشان را مؤید بفرماید. خدایا فرج ما فیه السرور امام زمان علیه السلام بر همه ما نزدیک بفرما. و به عنایت امام زمان علیه السلام، ما را از سربازان واقعی حضرتش محسوب بفرما. و این فعالیت هایی که در این زمینه توسط همه دوستان انجام می شود، به احسن وجه از همه ما قبول بفرما. و ان شاءالله زمینه لبخند رضایت امام زمان علیه السلام را فراهم بفرما. الهی آمین. آقایان، اعزا و سروران خودم که شرح صدر خرج دادند و این چند دقیقه ما را تحمل کردند، بر توفیقاتشان بیفزایید با صلوات بر محمد و آل محمد.

(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ)